

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۲۶ اپریل ۲۰۱۲

کنفرانس «پیترسبورگ» - بن و افغانستان!

(قسمت سوم)

در اوج مباحثات و تبلیغات، روی «بیلاس اینتی»، هیأت اشتراک کننده در کنفرانس «پیترسبورگ - بن»، «نومبر» ۲۰۰۱، که برخی از منابع نشراتی بین المللی نیز همین مفاهیم و موضوعات را منتشر می نموده اند، در بعضی از این گروه ها هم به صراحت، تمایلات و تلاشهای معین مشهود بوده است، تا با مهارت های خاص، از نام و پیوند های «اینتی»، برای تقویت مواضع سیاسی خویش، بر طبق شیوه های معلوم، فعال شوند. در اینجا نباید از حقیقت چشم بیوشانیم که، در تحت نام «اتحاد شمال»، در مطبوعات، از اتحاد، «تاجیک»، «ازبک» و «هزاره» نام می برده اند. چنین یک اتحاد را سازمانها و «احزابی»، چون «... جمعیت اسلامی...»، «جنبش ملی اسلامی...»، «... حزب وحدت...» و «... حرکت اسلامی...»، ایجاد نموده بوده، نه تمام کتله های اجتماعی این سه گروه «نژادی» یا «اینتی» میهن مشترک ما، افغانستان.

این که آیا هر یک از اعضای این «اتحاد» که یکی از خبر نگاران، از آن به عنوان «اتحاد سست» نام برده و در بخش قبلی نیز تذکر به عمل آورده ام، نام «اینتی» را به نفع خود، در اسناد رسمی به کار می برند و یا نه، اسناد رسمی آنها، در اختیار نویسنده قرار ندارد. نویسنده، به همه اعضاء یا افراد همه «اینتی ها»، به عنوان اتباع «دولت افغانستان» می نگرد، که ممکن است، در رابطه با احساس و موقف خود در باره خاک و وطن، طرز فکر آزاد خود را داشته باشند و عاری از امکان نیست که یقیناً، حتی اکثریت مطلق هریک از این مربوطات «اینتی ها»، با سازمان های نام نهاد، رابطه رسمی نداشته باشند. تخمین تعداد اعضای سازمانها، به مراتب کمتر از نفوس گروه های اجتماعی مورد نظر بوده می تواند. تصویر دقیق زمانی به دست آمده می تواند، که در این کشور هم نفوس شماری علمی، مانند دول پیشرفته دیگر، در جهان امروز انجام یابد. حتی ممکن است، با نظرات آنها مخالف هم باشند و یا نسبت به سیاست بی تفاوت برخورد نمایند. سر نوشت، حقوق و مصونیت چنین انسانها را باید یک سازمان ماورای حزبی، یعنی سازمان دولتی، خود در دست گیرد، که قانون برای آن وظیفه تعیین کرده است، بر مبنای تساوی حقوق تعریف شده، از کرامت و عزت هر فرد انسان، بدون تبعیض و فرق محافظت نماید، نه مراجع دیگر.

در آغاز مرحله «سقوط» بقایای حاکمیت «چپ» تحت حمایت شوروی وقت، که از آن به عنوان دوست و «همسایه بزرگ شمالی» نیز یاد می‌شد، همزمان با جانشین شدن «حاکمیت مجاهدین»، یا نمایندگان بعضی از تنظیم های مستقر در پاکستان و ایران، سیاست به نفع همین تمایلات فرقه بازی و دامن زدن نفاق ملی، در گروپهای مختلط از نگاه سیاسی و فکری می‌چرخید. در عقب این «حکام» جدید، باز هم موجودیت دست های «بیگانه» محتمل به نظر می‌رسید. تحت نام «حقوق اقلیت ها»، هم آهنگی نسبی ملی که در سابق وجود داشت، تحت ضربات خورد کننده قرار گرفت، صلح و همبستگی ملی را، با هویت «دیرینه» آن، خدشه دار ساخت. تفصیل در اینجا گنجایش ندارد. البته ممکن است، در هر یکی از این گروپ هائی که به نام «ایتنی» یاد می‌نموده اند، اکثریت اعضای آنها، از همان گروپ ها تشکیل یافته باشند، ولی وقتی از تقسیم سهم سیاسی یا مادی و معنوی حرف در میان می‌باشد، در صورت عدم موجودیت «دیموکراسی» به معنی اصلی کلمه، عدم وجود سطح لازم تعلیم عامه و عدم رشد سالم اجتماعی، نبود نظم سیستم پیشرفته حقوقی - دولتی، امتیازات و صلاحیت ها و قدرت سیاسی در دست، سران و حلقات ممتاز گروپ های متذکره رقیب و هم چشم هم دیگر، قرار می‌گیرد. اما این هم غیر محتمل نیست که چنین سرکردگان و جنگ «سالاران» با عوامفریبی، سنگ «وفاداری» به جانب گروپ «قومی» و «ایتنی» خود، به سینه بکوبند و داد و فغان سر دهند، در تحت نام قوم، از امتیاز موقف اداری، منفعت مادی و معنوی، خود شخصاً بهره‌مند شوند.

این فضای فرقه سازی، به «خویش خوری»، «تیپ باندیتیزم» عصر حاضر نیز راه می‌گشایند. این امر با تقسیم متناسب و عادلانه که می‌بایست بر مبنای لیاقت، اهلیت، صداقت، استعداد و آمادگی شعوری، شریفانه و انساندوستانه هر فرد برای خدمت به انسان و نظم «متمدن» اجتماعی - فرهنگی استوار می‌بود، و همه اعضای جامعه، بدون تبعیض از آن مستفید می‌گردیدند، وجوه مشترک نمی‌یابد.

در گزارش منتشره «بی. بی. سی. سی.» می‌خوانیم: «اتحاد شمال می‌گوید که هیأت آن، از «توازن ایتنی» برخوردار است. مدعی شده اند که شمارمتعدد از اکثریت جامعه پشتون، که طالبان اکثریت حامیان خود را به قول منبع، از آنجمله دارا اند، در «اتحاد شمال» نیز عضویت دارند. لیکن به طور مشخص می‌نویسد که «اکثریت اعضای اتحاد» را تاجیک و ازبک تشکیل می‌دهند. عاری از احتمال نیست که در همان روز سه شنبه، ۲۷ «نومبر»



۲۰۰۱، یونس قانونی، رئیس هیأت «اتحاد شمال»، یکی از اعضای هیأت را به نام «حاجی عبدالقدیر»، از «ایتنی» پشتون، والی ننگرهار، در کنفرانس مطبوعاتی، در سمت دست راست خود نشانده است، تا بر ادعای قبلی مهر تأیید، کمائی کند. رهبران «اتحاد شمال» در سابق هم، به چنین تبارز دست برده اند، ممکن نیازمند آن بوده باشند، تا به رخ جهانیان بکشند که گویا، «تبعیض» قومی در «جنبش» نام نهاد آنها وجود نداشته باشد. تجربه نشان داده است تا زمانی که کس در هدف، ذهن، خوی و عادت و «کرکتر» اقلأ به طور سر پوشیده چنین پدیده را نهفته نداشته باشد، کم محتمل است که به فکر چنین نیازمندی و پلان ترتیب همچو صحنه ها بیفتند. با تأسف که در حال حاضر، اسناد و مدارک کافی، عکس العمل های افراد با نفوذ، در هر یکی از این گروپ ها، در «انترنیت» دیده شده است، که ثبوت موجودیت این مرض مهلک را ثابت می‌سازد، که به نفاق ملی دامن زده می‌شود. گزارشگر «بی. بی. سی. سی.» نتیجه گیری خود را از اظهارات نمایندگان مختلف جمع بندی نموده، می‌نویسد که هیأت «حمایت از حکومت بر پایه های وسیع را ابراز نموده اند.» و همچنان همه را به «وحدت ملی» فرا خوانده اند.

از زبان یونس قانونی حکایت می شود، که به گروه های «رقیب» بار دیگر اطمینان می دهد که «جنبش او «پلان» گرفتن قدرت را در پیش ندارد.» خبر نگار در همین روز اول کنفرانس، نقل قولی را از حامد کرزی، بدین متن منتشر می سازد: «ما یک ملت هستیم، یک فرهنگ داریم، ما متحد هستیم و نه متفرق... ما همه عقیده به اسلام داریم، لیکن اسلام بر دباری.»

حامد کرزی را گزارشگر به عنوان «رهبر قومی پشتون» یاد نموده، متذکر می گردد که موصوف پیام خود را به قسم «التماس» از طریق تیلیفون «ستلایت»، که در فضای داخل «تالار» کنفرانس طنین انداز بوده است، بیان داشته، از بخشی از اظهارات او همچنان بدین متن نقل شده است: «برای ما در ادامه جنگ و انحصار قدرت و یافشاری بر مواضع گذشته عزت و جلال وجود نخواهد داشت... عزت ما در آن خواهد بود، که بهترین عمل انجام دهیم و در تطبیق پلان سازمان ملل متحد برای صلح و ثبات در افغانستان صادق باشیم. ما می خواهیم افغانستان را از قرون وسطی بیرون آوریم.»

در جای دیگر گزارش «ژورنالیست»، این مطلب را به حیث برداشت خودش می خوانیم: «هرگاه اتحاد شمال به عنوان حاکم در حکومت موقت پدیدار گردد، پادشاه سابق، به حیث پشتون، به صف آرائی دوباره حمایت، قادر خواهد بود، و متصور است، که اکثراً پیوند های خود را قطع نمایند.» لیکن گزارشگر دیگر «بی. بی. سی.» «بریان هنراهان» (Brian Hanrahan)، از جریان مذاکرات، خبر می دهد که در هیأت طرفدار پادشاه سابق محمد ظاهر شاه هم، پشتون های زیادی شامل اند که در خارج به سر می برند، «از پشتون های منطقه مرکزی جنوب افغانستان، هیچ یک نمایندگی نمی کنند». در این برداشت، ژورنالیست ممکن، به ارتباط «نفوذ طالبان» اشتباه کرده باشد، زیرا در آنوقت معلوم بوده است، که از «طالبان» دعوت به عمل نیامده بود. لیکن کسانی که به تاریخ افغانستان آشنائی داشته اند، خود می دانند که پادشاه سابق افغانستان، در قندهار قوی ترین پایه اجتماعی داشته است، طبیعتاً در نمایندگی ایشان از قندهار، نه شک وجود داشته است و نه در برابر ایشان «بدیل» می توانسته است، مطرح گردد.

آنچه جلب توجه می نماید، گزارشگران، آنطوری که در قسمت های قبلی هم تذکار یافته است، در ادامه خبر دهی از جریان کنفرانس، ترکیب هیأت را به اساس «اینتی» مطرح نموده اند، تا آن مرحله، به ندرت از موضعگیری های سیاسی و طرز تفکر گروه ها، گزارش داده اند. فقط از ذکر گروه هواداران پادشاه سابق، و ترکیب «هیأت» آن، می توان تا حدی، درک نمود که طرز دید آنها، حتماً اساسات «قانون اساسی» سال ۱۹۶۴ را، در محتوای مشی سیاسی خود، که به مثابه بنیاد درست برای روحیه و «هویت ملی» شناخته می شود، شامل نموده اند.



این گزارشگر، مشابه با «راپورتر» قبلی که در مورد، (منبع تصویر، قصر «پیترسبورگ» «بی. بی. سی.»)، انتخاب محل کنفرانس، توسط «الاحضر ابراهیمی» تبصره نموده بود، همچنان از موقعیت هتل در «پیترسبورگ»، به نام «هوتل پلاتیال» (palatial hotel) با منظره دید دلپسند از دریای

مشهور «راین»، خارج از شهر «بن»، نام برده، یاد آور می گردد که این مقر، محل تدویر مجالس متعدد تاریخی نیز بوده است. به طور نمونه تذکر می دهد که من جمله: «صدر اعظم» «نی ویل چمبرلین» (Neville Chamberlain)، با «ادولف هیتلر» (Adolf Hitler)، قبل از آغاز جنگ دوم جهانی دیدار داشته است. متعاقباً البته در وقفه های مختلف، از پادشاهان، چون ملکه انگلیس، پادشاه سابق ایران، روسای جمهور، به شمول «بریژنیف» رهبر وقت شوروی و «نیلسن مندیلا»، در این مقر مهمانداری به عمل آمده است.

لیکن بار دیگر، «رپورتر» دیگری می نویسد که قبل از افتتاح مذاکرات در کنفرانس، نماینده سازمان ملل متحد، «فرانسیس ویندریل» (Francesc Vendrell)، به همه طرف ها، هوشدار داده است، که «توقعات خیلی زیاد، نداشته باشند.» همزمان با آن از عدم خوشبینی تحلیلگران و دیپلماتان، در روشنی با تاریخ افغانستان در رابطه با تغییر جهت در اتحاد ها، خیانت ها و تسلیم شدن ها به دشمن، منازعات قبایل، نیز یاد آوری به عمل آمده است. در همان روز اول «رپور» دهنده «بی. بی. سی.» تخمین نموده بود که مدت یک هفته را در بر خواهد گرفت، تا نتایج حاصله از مذاکرات روشن شده بتواند.

قابل تذکر می دانم که با وجود آن که کنفرانس متذکره ممکن به عنوان کنفرانس «بین الافغانی» یاد شده باشد، ولی وقتی، لیست «اشتراک کنندگان» را در نظر می گیریم، که از همان آغاز، از نمایندگی نامکمل یاد شده است، عکس العمل های برخی از کشور های خارجی، می تواند به روشنی الهام به دست دهد، که نام و اجسام و حضور فیزیکی انسانی، ممکن حامل «هویت افغان» بوده باشد، ولی افکار و تصامیم، عاری از ملوث بودن با اهداف بیگانه به نظر نمی رسد.

به عنوان مثال در عنوان درشت یک مطلب منتشره «بی. بی. سی.»، تاریخ ۲۷ «نومبر» ۲۰۰۱، مصادف با روز افتتاحیه کنفرانس «بن» می خوانیم: «پاکستان بیم اخراج و یا محرومیت» دارد. یعنی چه؟ پس مشت نمونه خروار، خاک از افغانها، منافع را دیگران از خود می دانند؟

خانم «جیل میکگیورینگ» (Jill McGivering)، «نماینده خبری «بی. بی. سی.» در جنوب آسیا، در همین روز افتتاح کنفرانس «بن»، می نویسد که بسیاری پاکستانی ها در باره معامله افغانستان بد بین اند. همین گزارشگر تذکر می دهد، وقتی مذاکرات درباره آینده افغانستان آغاز می یابد، پاکستان، به نسبت کمبودی گرفتاری خودش و اقتدار تسلط آمیز «اتحاد شمال» «مضطرب و نا آرام» به نظر می خورد. به ادامه اظهار می دارد که «همسایگان» افغانستان «در هر فرصت رسیدن به صلح، نقش قاطع خواهند داشت – و پاکستان دلیل خوبی دارد، که ثبات را در کشور جنگ زده بخواهد.» این خانم ادامه می دهد: «سالهای جنگ برای پاکستان مسایل بزرگ مهاجر را به بار آورد. فشار بزرگ بر منابع آنکشور وارد آورده است.»

استدلال اخیر این خانم خیلی سطحی به نظر می رسد. ممکن استدلال و بهانه های مقامات رسمی پاکستان، در برداشت او اثر گذاشته باشد. اولاً در طول زمان بحران، سه دهه، تا اکنون تحلیل و ارزیابی دقیق صورت نگرفته است، که پاکستان در مجموع از «بحران» افغانستان، چه استفاده های سیاسی، اقتصادی و به خصوص نظامی تسلیحاتی نموده است. این کشور در اوج «جنگ علیه قوای شوروی» و حکومت «تحت الحمایه» آن، حجم سرشار کمک های خارجی رابه «آدرس مجاهدین» و «مهاجران» دریافت می داشت، که تقسیم همه انواعی از محموله های بزرگ، در دست «ببروکراسی» و نظامیان و استخبارات پاکستان بوده است. در این مدت این کشور بهترین سلاح ها، به شمول طیارات «اف – ۱۶» را به دست آورد. در همین زمان علاوه از آن که با استفاده از روابط با «غرب»، میدان های هوایی نظامی خود را «مدرنیزه» ساخت، قوای بحری خود را مجهز نمود، به سلاح اتمی نیز دست یافت، در پهلوی استفاده از صادرات تولیدات، به شمول قالبین های کار دست مهاجران افغان، به اعتبار صادرات دولت پاکستان در معاملات و تبادلات تجاری، افزایش بخشید.

گزارشگر در عین زمان از «نگرانی و بدگمانی مردم پاکستان» نسبت به اظهارات رهبران «اتحاد شمال»، که گفته اند، قدرت را تقسیم خواهند نمود، نیز تذکره به عمل آورده است. از آدرس اسحق گیلانی، که از او به عنوان

نماینده در کنفرانس «بین» یاد نموده است، چنین نقل می نماید: «اتحاد شمال باید بداند، که خیلی ساده نیست که تمام افغانستان را کنترل بتواند. هر گاه پشتون ها نا میمون و ناراضی باشند، کشور آرام نخواهد بود.»

معاون نماینده خاص سازمان ملل متحد، «فرانسیس ویندریل» در رابطه با بدگمانی های مردم، نسبت به اظهارات رهبران «اتحاد شمال»، که متعهد تقسیم قدرت شده اند، اما مردم مطمئن نبوده اند، تأکید می نماید که، «این را می خواهند». او چنین توضیح می دهد: «باید گفت که آنها متمایل اند، تا یک ساختار ایجاد گردد، می فهمند که منفعت آنها در یک ساختار جدید نهفته خواهد بود.» به ادامه، با فورمولبندی دیگر چنین اظهار نظر نماینده سازمان ملل متحد را نقل می نماید: «من فکر می کنم، آنها همچنان به حقیقت پی برده اند، که جامعه بین المللی گفته است، مدت طولانی در آنجا بوده اند، بهتر است فرصت را از دست ندهند، و به زمان خیلی دیر موقوف ننمایند.» در عین زمان از جریان «دشمنی» و مخالفت عمیق علیه «اتحاد شمال» در پاکستان گزارش داده می شود، خاصاً در «صف مذهبیون افراطی» و «ایتنی پشتون» های دارای «پیوند» های نزدیک با «طالبان» می باشند.

در همین «راپور» به صراحت تحریر یافته است که «حکومت پاکستان می خواست، تا طالبان معتدل در مذاکرات شامل ساخته شوند – لیکن اتحاد شمال موفقانه ممانعت کرد.» همین «راپورتر» از زبان «ماریانا بابر» سر مقاله نویس «دیپلوماتیک» اخبار پاکستانی «د نیوز» (The News)، می نویسد که گفته است، این حرکت پاکستان را «مأیوس و دلسرد» ساخته است. در جایی هم همین خانم گزارش دهنده، چنین می نویسد: «پشتون هائی که در آنجا هستند، مردمی اند که دور از افغانستان مسکون اند. در زمان طالبان، هیچ کاری در داخل افغانستان ننموده اند.» «یوشکا فیشر»، وزیر خارجه جمهوری فدرال المان، معاون صدر اعظم و صدر آنوقت حزب «سبز ها» در المان، عضو «ائتلاف «سرخ و سبز» (متشکل از «حزب سوسیال دموکرات المان» و «اتحاد ۹۰ و سبز ها»، در بیانیه افتتاحیه از گروپ های «رقیب» خواست: «به توافق حقیقی تاریخی، به منظور آینده، برای کشور جنگ زده تان و مردم آن، دست ببرید.» در عین حال در پیام سرمنشی سازمان ملل متحد به رهبران جمع شده، گفته شده است که آنها «نیاید به تکرار اشتباهات گذشته اجازه دهند، خاصاً آن اشتباهات سال ۱۹۹۲» به علاوه خاطر نشان می سازد که «به بد بینی های زیادی که به تفصیل ظاهر می گردد، آنچه شما باید انجام دهید اینست، که نا درستی آن را ثابت سازید.»

عبدالستار سیرت، رئیس هیأت پادشاه سابق، محمد ظاهر شاه، گفته است که این جلسه «سنگ تهداب» برای یک افغانستان نوین بوده است. در ادامه از حرف های او می خوانیم: «ما خرسندیم که همچو فرصت در آنجا میسر شده است. با سیاست از درک مسؤولیت فرزندان افغان، که ما را قادر به تدویر همچو جلسه برای صلح نموده اند.»

در همان روز از برهان الدین ربانی، که در دوبی به سر می برده است و همین منبع از وی به عنوان «رئیس جمهور سابق» و رهبر اتحاد شمال یاد کرده است، چنین حکایت می کند: به هیأت گوشزد نموده است که گویا جلسه «بن مقدماتی» و یا «ابتدائی» بوده باشد. در صحبت خویش از «دوبی آقای ربانی» گفته است: «واقعیبانه نیست، فکر شود، هر فیصله ای که (در «بین») صورت گیرد، نهائی خواهد بود... زیرا هیأت دارای صلاحیت محدود اند.» خارج از احتمال نیست که همچو اظهارات، بر بی اعتبار ساختن، «تعهدات» اتحاد شمال، پس از دخول به کابل، که حاضر به تقسیم «قدرت» شده بودند، اثر منفی گذاشته باشد. اظهارات متضاد رهبران این «اتحاد»، به صراحت، مرز های درز مانند، بین سازمان نظامی «شورای نظار» و «جمعیت اسلامی» تحت رهبری برهان الدین ربانی را برملا می ساخت.

گزارشات گزارشگران «بی. بی. سی.»، در پهلوی اظهارات «هیأت» اشتراک کننده در کنفرانس «بن» و سیاستمداران بین المللی، در باره ذهن و روحیه مردم افغانستان نیز، نسبت به تدویر کنفرانس مطلع می سازند، که حالت و روحیات آنها، در افغانستان مخلوط است. از محیط و اجتماعات افغانی نیز «بدگمانی» نسبت به «اتحاد شمال»، به وفرت اطلاع داده شده است، علی رغم وعده و وعید این اتحاد در مورد، که گویا «پلان احراز قدرت را در پیش ندارند».

از زبان یکی از مو سفیدان قومی می نویسند: «ما می توانیم با یک سیلی یک دست خود ربانی را دور سازیم» در عین حال از نگرانی و بیم از آن خبر داده شده است که مبدا «جامعه بین المللی» باز افغانستان را با سرنوشت آن تنها، گذارد، وقتی «مذاکرات ابتدائی» خاتمه یابد. از زبان یک معلم لسان انگلیسی می نویسد: «ما باید آمدن خارجی ها را داشته باشیم، نه به خاطر اداره، بلکه برای خلع سلاح گروپ ها، تا مطمئن سازند که دیگر جنگ نباشد.» البته از بعضی از خوشبینی ها هم نسبت به آینده گزارش یافته است. اما در عین زمان، شخص دیگری، معتقد بوده است که: «۶۰ فیصد احتمال دارد که بار دیگر به جنگ داخلی برگردیم.»

در روز اول، خلاف اطلاعات قبلی که از دعوت ۳۰ نماینده در کنفرانس حرف زده می شد، «مایک ولد ریچ» (Mike Wooldridge)، نماینده «بی. بی. سی.» از «بن» از ۲۵ نماینده نام می برد. در عنوان درشت نوشته شده است، که «احزاب و دسته بندی ها، به فراخوانی به صلح «عنان» (Annan) جواب می دهند.» «رپورتر» اظهار می دارد که «دور از مرحله نهائی جنگ در امر کنترل افغانستان»، آینده سیاسی کشور حال توسط ۲۵ مرد و زن نماینده افغان (۲۵ میلیون نفوس تخمینی)، برای هر یک میلیون یکنفر، دور میز مباحثه گرد هم آمده اند. این مذاکرات که به کمک سازمان ملل متحد تدویر یافته است، به خاطر ایجاد یک حکومت موقت است. کارکنان ملل متحد امیدوار بوده اند که هیأت ها در مدت سه تا پنج روز به توافق برسند. این خبر نگار فضای آغاز کنفرانس را بین افغان های «قریب»، بی سابقه صمیمی یافته است. و هم چنان تذکرمی دهد که این صمیمیت، ملل متحد و سایر ناظران را غرق تعجب ساخته است. از آدرس «کوفی عنان» می نویسد: «شما باید ... ثابت سازید که می توانید، راه توافق را بر منازعه انتخاب نمائید.» همین «رپورتر» نیز مکرراً بیان می دارد که نمایندگان، «اتحاد شمال» که کنترل کابل را در اختیار دارند، با سه هیأت دیگر به مذاکرات دخیل اند. رهبران هیأت ها، موافقت داشته اند که در جهت آینده نوین برای افغانستان بعد از دو دهه منازعه کار کنند. در پیام سرمنشی سازمان ملل متحد، همچنان گفته شده بود: «امیدواریم، تاریخ قضاوت خواهد کرد که این اقدام، آغاز مرحله نوین برای افغانستان شناخته شود.»

در هر قدم گزارشات، امیدواری های عدم تکرار اشتباهات سال های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶، که در اثر آن، ده ها هزار انسان به قتل رسیده اند، به زبان آورده شده است. سرمنشی سازمان ملل متحد گفته است، که «ضروری است، تا تأسیسات حقوقی و سایر موازین دولتی مورد اعتماد، ایجاد گردد، که در آن همه افغانها نمایندگی حاصل نموده، از احترام همه افغانها، با معنی و مفهوم مشروعیت برخوردار باشند. از وسایلی چون «لویه جرگه»، شورای مشورتی - عنعنه ئی در این راه استفاده به عمل آید.»

ختم قسمت سوم

ادامه دارد

۲۰۱۲/۰۴/۱۵